

جمله اسمی یا جمله فعلی؟

الناز پاکار

در طول یک صد و پنجاه سال اخیر، در نتیجه ترجمه‌های بسیار زیادی که از زبان‌های دیگر، به ویژه انگلیسی، به زبان فارسی صورت گرفته، برخی از هنجارهای زبانی تغییر کرده یا دستخوش تغییر شده‌اند. اسمی‌سازی¹ یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نحوی زبان است که طبعاً مثل هر ویژگی نحوی دیگر ممکن است از طریق ترجمه به زبان مقصد انتقال یابد. به اعتقاد خزاعی‌فر، در نثر فارسی، بویژه در نثر روایی، تمایل به استفاده از جملات فعلی در مقایسه با جملات اسمی بیشتر است، ولی در بعضی از ترجمه‌ها به علت لفظ‌گرایی و تبعیت از ساختارهای دستوری زبان مبدأ فراوانی جملات اسمی افزایش یافته است. در این مقاله نخست جمله اسمی و جمله فعلی را تعریف کرده و سپس با ذکر نمونه‌هایی از جملات اسمی در ترجمه‌ها به پدیده اسمی‌سازی در اثر ترجمه اشاره می‌کنیم.

۱. جمله اسمی و جمله فعلی

از زمان آغاز ترجمه از زبان‌های خارجی به فارسی در دوره معاصر ترجمه بر شیوه نگارش فارسی اثر گذاشته است. یکی از تأثیرات ترجمه بر ساخت جمله فارسی استفاده از جمله اسمی به جای جمله فعلی است. در زبان فارسی فعل در انتهای جمله می‌آید، بنابراین لازم است که هر چه زودتر جمله به پایان برسد تا بین نهاد و فعل فاصله زیادی نیفتد ولی در انگلیسی فعل پس از نهاد و قبل از مفعول قرار می‌گیرد، در نتیجه در بسیاری از موارد به جهت تأکید، عمل اصلی به وسیله اسم که در اول جمله می‌آید توصیف می‌شود و طبیعتاً طول جملات نیز بلندتر است. در ترجمه تداخل زبانی

¹ Nominalization

یعنی انتقال ویژگی‌های زبانی زبان مبدأ به زبان مقصد امری متداول است. انتقال جمله اسمی به زبان مقصد به عنوان یک جمله اسمی نیز از جمله موارد تداخل نحوی است که بخصوص در کار مترجمان تازه‌کار بیشتر دیده می‌شود. البته زبان فارسی همچون زبان انگلیسی جملات اسمی دارد ولی به نظر می‌رسد با توجه به نوع متن میزان کاربرد جملات اسمی یا نوع جملات اسمی در دو زبان یکسان نیست. به عبارت دیگر، نمی‌توان هر جمله اسمی انگلیسی را به یک جمله اسمی فارسی ترجمه کرد. اینکه می‌گوییم «نمی‌توان»، منظور این نیست که جمله اسمی بدست آمده از نظر دستوری غلط است چون در فارسی بالقوه امکان نوشتن جملات اسمی وجود دارد. منظور این است که اگر فرد فارسی زبان می‌خواست همان مفهوم را بنویسد احتمالاً از جمله فعلی استفاده می‌کرد تا جمله اسمی. این مطلب در مورد بسیاری از ساختارهای نحوی از جمله معلوم و مجهول نیز صادق است. در هر دو زبان فارسی و انگلیسی ساختار مجهول وجود دارد ولی هر جمله مجهول انگلیسی را نمی‌توان به جمله‌ای مجهول در فارسی ترجمه کرد.

در این تحقیق، منظور از جمله اسمی، جمله‌ای است که در آن جزئی از جمله با عبارت اسمی (noun phrase) بیان شده در حالی که امکان آن وجود داشته که همان جزء با فعل نیز بیان شود. این عبارت اسمی در جایگاه‌های دستوری مختلفی چون نهاد، مفعول، متمم فعل، متمم قید، بدل، مضاف الیه و مسند بکار می‌رود: در اینجا چند نمونه از عبارت اسمی را در جایگاه‌های نهاد، مفعول و متمم می‌آوریم:

۱. جایگاه نهاد:

* متحد بودن همه ما بدیهی است.

بدیهی است که ما همه متحد هستیم.

* مأموریت رفتن دو تن از کارمندان مسلم شد.

مسلم شد که دو تن از کارمندان به مأموریت رفته‌اند.

۲. جایگاه مفعول:

* متحد شدن اعضای این طبقه را باور نمی‌کردیم.

باور نمی‌کردیم که اعضای این طبقه متحد شوند.

* مشغول به کار شدنش را در نامه نوشته بود.

در نامه نوشته بود که مشغول کار شده است.

۳. جایگاه متمم:

* از آلوده شدن به گناه می ترسم.

می ترسم که به گناه آلوده شوم

* از مدیر کل شدن پدرش خوشحال است

خوشحال است که پدرش مدیر کل شده است.

منظور از جمله فعلی جمله‌ای است که در آن عملی که می‌توانسته به صورت عبارت اسمی بیان شود به صورت فعل آمده است.

مثال: گیاهانی که در آغاز فصل بهار می‌رویند به طبیعت سرسبزی می‌دهند. (مقایسه کنید با جمله اسمی: رویدن گیاهان در آغاز بهار به طبیعت سرسبزی می‌دهد).

به اعتقاد خزاعی‌فر، در زبان فارسی بخصوص در نثر روایی، سبک غالب، سبک فعلی است؛ سبکی که از جملات کوتاه استفاده می‌کند و صورت فعلی را بر صورت اسمی ترجیح می‌دهد. بررسی پیکره گسترده‌ای از متون ادبی فارسی نشان داد که در این متون جملات اسمی بسیار نادر بکار می‌روند. این مطلب بخصوص در مورد نثر روایی و بخصوص نثر روایی کلاسیک صدق می‌کند. به نمونه‌ای از متن تذکره‌الاولیاء با جملات کوتاه فعلی آن توجه کنید:

نقل است که شیخ را همسایه‌ای گبر بود و کودکی شیرخواره داشت و همه شب از تاریکی می‌گریست، که چراغ نداشت. شیخ هر شب چراغ برداشتی و به خانه ایشان بردی، تا کودک خاموش گشتی. چون گبر از سفر باز آمد، مادر طفل حکایت شیخ باز گفت. گبر گفت: "چون روشنایی شیخ آمد، دریغ بود که به سر تاریکی خود باز رویم." حالی بیامد و مسلمان شد.

در ترجمه‌ها بخصوص در ترجمه‌های لفظ‌گرا به علت این که مترجم از ساختارهای دستوری زبان مبدأ استفاده می‌کند، فراوانی جملات اسمی افزایش می‌یابد. (این جمله را مقایسه کنید با جمله: در ترجمه‌های لفظ‌گرا به علت استفاده مترجم از ساختارهای دستوری زبان مبدأ، فراوانی جملات اسمی افزایش می‌یابد). به چند جمله زیر توجه کنید. این جملات از چند صفحه اولیه یک ترجمه چاپ شده انتخاب شده‌اند. در این جملات مترجم تحت تأثیر متن اصلی، ساختار جمله نویسنده را به عاریت گرفته، در

نتیجه عبارات اسمی عیناً به جمله فارسی منتقل شده، حال آن‌که اگر نویسنده این جملات را بر وفق طبیعت فارسی می‌نوشت جملات را این‌گونه آغاز نمی‌کرد یا به پایان نمی‌رساند بلکه ساختار دیگری (احتمالاً ساختار فعلی) بکار می‌گرفت:

- او موجود نبودن واژگانی برای توصیف لحن و صدا در شعر این گروه بویژه شعر سیلویا پلات را علت اصلی می‌داند. (به اعتقاد او علت اصلی این است که در شعر این گروه بویژه در شعر سیلویا پلات واژگانی برای توصیف لحن و صدا وجود ندارد.)
- ما فاقد فرهنگ نقد کردن هستیم. در نتیجه به جای متقاعد کردن به توسل جستن به زور تمایل نشان می‌دهیم. (ما فرهنگ نقد کردن نداریم. در نتیجه ترجیح می‌دهیم به زور متوسل بشویم تا متقاعد کنیم.)
- تنها با پذیرفتن این حقیقت که نوشته‌های او سرشار از تضاد است می‌توانیم به درک بهتری از شعر او برسیم. (فقط اگر بپذیریم که نوشته‌های او سرشار از تضاد است می‌توانیم به درک بهتری از شعر او برسیم.)
- کشف سیلویا پلات «واقعی» و کشف دلیل واقعی او برای خودکشی غیرممکن است. (غیرممکن است بتوانیم سیلویا پلات «واقعی» و دلیل واقعی او را برای خودکشی کشف کنیم.)
- زنان نسل دیگر از این مجموعه شعر به عنوان ابراز احساسات صریح و صادقانه استقبال می‌کند. (زنان نسل دیگر این مجموعه شعر را بیان احساسات صریح و صادقانه می‌دانند و از آن استقبال می‌کنند.)
- تطبیق پیدا کردن با زندگی به شیوه انگلیسی بسیار سخت بود. (برایش بسیار سخت بود که خود را به شیوه زندگی انگلیسی عادت بدهد.)
- واقعیت ساده مدیریت زندگی خانوادگی بار عظیمی بود که باید روزانه به دوش می‌کشید. (هر روز می‌بایست بار عظیم زندگی خانوادگی‌اش را به دوش می‌کشید.)

۲. پیشینه بحث

در زبان انگلیسی مقالات مختلفی دربارهٔ مقوله اسمی‌سازی و سبک اسمی و سبک فعلی نوشته شده است. در اینجا به برخی از مقالاتی که به حوزهٔ ترجمه و به بحث ما مربوط می‌شود به اختصار اشاره می‌کنیم:

ولز (۱۹۶۰) می‌نویسد که برخی از پژوهشگران و ادبا به دلایل زیر جملات اسمی را بر جملات فعلی ترجیح می‌دهند:

۱. مفاهیم متنوع را راحت‌تر می‌توان با جملات اسمی بیان کرد؛
۲. سبک اسمی سبکی خشک‌تر و غیرشخصی‌تر است و لذا بیشتر در متون رسمی و نوشته‌های علمی بکار می‌رود.

پژوهشگران دیگری نیز به نکاتی کم و بیش مشابه در این زمینه رسیده‌اند. کوئیرک (۱۹۸۵) می‌نویسد وقتی نویسنده‌ای جمله‌ای را به این سبک بیان می‌کند تعهدی نسبت به درستی ادعای خود ندارد زیرا عامل عمل مشخص نیست. مکدونالد (۱۹۹۴) تصریح می‌کند که جملات اسمی در مقایسه با جملات فعلی، به علت کوتاه‌تر بودن، در نوشته‌های علمی که سبک موجزی دارند، کاربرد بیشتری دارند (ص ۱۷۳). همچنین، هومز (۱۹۹۵، ص ۲۶۰) می‌نویسد که در سبک اسمی جملات بی‌طرفانه بیان می‌شوند. بایبر (۱۹۹۸) برای تعیین فراوانی عبارت اسمی در متون مختلف، مقوله‌های مختلف گفتار (از جمله مکالمات تلفنی) و نوشته‌های غیرعلمی و علمی را بررسی و تحلیل نمود. نتایج این تحقیق نشان داد که اسمی‌سازی بیشتر در نوشته‌های علمی بکار می‌رود. چارلز (۲۰۰۳) نیز در واکاوی پیکره‌های زبانی به این نتیجه رسید که فراوانی جملات اسمی در متون سیاسی بیش از متون علمی است.

نسبت (۲۰۰۳) تمایل به استفاده از اسم و فعل را در میان شرقیان و غربیان بررسی کرد. وی با بررسی‌های تاریخی و انجام آزمایش‌های گسترده روان‌شناختی، به این نتیجه رسید که غربی‌ها در مقایسه با شرقی‌ها بیشتر به اسم‌سازی تمایل دارند. جنتز (۱۹۸۱، ص ۱۶۸) مدعی شد که کودکان بطور کلی فعل را دیرتر از اسم می‌آموزند؛ ولی برخلاف نظر جنتز، تاردیف (۱۹۹۶) نشان داد که در کودکان شرقی سرعت یادگیری اسم‌ها و فعل‌ها برابر است. ولز (۱۹۶۰) به دلایلی سبک فعلی را به سبک اسمی ترجیح می‌دهد: ۱. اسم‌ها ایستاتر هستند و وضوح کمتری نسبت به افعال دارند؛ ۲. جملاتی که با عبارات اسمی نوشته می‌شوند طولانی‌تر هستند، در نتیجه وضوح کمتری دارند و درک آن‌ها نسبت به جملات کوتاه‌تر سخت‌تر است؛ ۳. متنی که همه و یا بیشتر جملات آن با یک ساختار پایه نوشته شده باشد معمولاً یکنواخت و خسته‌کننده است. اما جملاتی که با ساختار فعلی نوشته می‌شوند تنوع بیشتری دارند. زینسر (۱۹۸۰،

ص ۱۰۹) نیز معتقد است که استفاده بیش از حد از جملات اسمی موجب می‌شود که متن خشک و بی‌روح به نظر برسد. به نظر کیرکمن و ترک (۱۹۸۲، ص ۵۶)، کاربرد زیاد جملات اسمی موجب کم شدن تأثیر و انرژی نوشته می‌شود. مکدونالد (۱۹۹۴، ص ۱۱۸) معتقد است که استفاده از عبارات‌های اسمی باید محدود شود، زیرا درک آنها در مقایسه با جملات فعلی دشوارتر است. به اعتقاد اسمیت و برنهارت (۱۹۹۷) جملات فعلی دقیق‌تر، صریح‌تر و کوتاه‌تر هستند. رودکاسکی (۲۰۰۶) نیز تأکید می‌کند که کاربرد عبارات اسمی همیشه بد نیست، اما کاربرد زیاد آنها جمله را ثقیل می‌کند. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، کاربرد جملات اسمی در فارسی مطلقاً نادرست نیست بلکه تابع عوامل متعدد است. از جمله این عوامل عبارتند از: نوع متن (طبعاً در متون علمی فارسی جملات بلندتر و جملات اسمی چندان غیرعادی نیستند)؛ مقصود گوینده (در مواردی که نویسنده عمداً نمی‌خواهد عامل عمل را مشخص کند)؛ و بالاخره ماهیت زبان فارسی (که به استفاده از جملات کوتاه و هرچه زودتر آوردن فعل تمایل دارد. در نتیجه نمی‌توان هر جمله اسمی انگلیسی را عیناً به جمله اسمی مشابهی ترجمه کرد).

در تحقیق مفصلی که پیش‌تر به آن اشاره شد، دو پیکره متون تألیفی و متون ترجمه-ای تهیه شد. در پیکره متون تألیفی متعلق به دوره قبل از ترجمه، که متشکل از سه کتاب مسالک‌المحسنین، تاریخ بیداری ایرانیان و خاطرات حاج سیاح، به ترتیب ۲، ۴ و ۳ مورد جمله اسمی قابل تبدیل به جمله فعلی پیدا شد. از بررسی این موارد چنین برمی‌آید که اولاً در فارسی جملات اسمی قابل تبدیل به جملات فعلی وجود دارد، اما این جملات هرگاه بکار می‌روند توزیع درستی دارند؛ یعنی نقشی کلامی برای مثال تأکید یا برجسته‌سازی ایفا می‌کنند.

پیکره متون ترجمه‌ای خود متشکل از دو دسته متن بود. در متونی که به قلم مترجمان توانا ترجمه شده بود جملات اسمی بیش از متون تألیفی وجود داشت (مجموعاً ۱۷ جمله) ولی بطور کلی این مترجمان همانند نویسندگان متون پیکره اول به استفاده از سبک فعلی تمایل داشتند. بررسی متون ترجمه‌ای مترجمان ناآشنا به زبان فارسی نشان داد که فراوانی جملات اسمی در ترجمه‌های آنها به نحو محسوسی (مجموعاً ۲۸۳ جمله) در مقایسه با متون تألیفی بیشتر است. چند نمونه از جملاتی که در کتاب‌های جملات مترجمان تازه کار یافتیم، به قرار زیر است:

- او بر تلاش دولت برای زدودن جامعه از هیجان‌ها، تعصب‌ها و خصومت‌های کور تأکید می‌کند. (تأکید می‌کند که دولت در تلاش است تا هیجان‌ها، تعصب‌ها و خصومت‌های کور را از جامعه بزدايد.)
- گمان می‌کند که مالکین نادان و کوتاه‌فکر، برای واگذار کردن ارواح مرده‌هایشان در قبال پولی ناچیز، بسیار مشتاق باشند. (گمان می‌کند که مالکین نادان و کوتاه‌فکر بسیار مشتاقند که ارواح مرده‌هایشان را در قبال پولی ناچیز واگذار کنند.)
- آماده بودن برای یک سخنرانی می‌تواند شما را در ارائه بهتر موفق کند. (اگر برای سخنرانی خود را آماده کنید بهتر می‌توانید سخنرانی خود را ارائه کنید.)
- ... خطر سپردن کنترل جامعه به فناوری‌های قدرتمند و جدید را گوشزد می‌کند. (می‌گوید خطرناک است که کنترل جامعه را به فناوری‌های قدرتمند و جدید بسپاریم.)
- گرچه هاک از قانونی بودن یا اخلاقی بودن کمک به یک برده‌فراری مطمئن نیست، با جیم همراه می‌شود. (گرچه هاک نمی‌داند کمک به یک برده‌فراری کاری اخلاقی یا قانونی است با جیم همراه می‌شود.)
- او پس از رسیدن به شهری کوچک، به سرعت سعی بر آن دارد که با تحت تأثیر قراردادن تعدادی از مقامات رده پایین شهر برای خود اسم و رسمی به هم بزند. (پس از این که به شهری کوچک می‌رسد به سرعت سعی می‌کند تعدادی از مقامات رده پایین شهر را تحت تأثیر قرار داده و برای خود اسم و رسمی به هم بزند.)
- الیزابت هم قول رفتن به خانه جدیدشان را می‌دهد. (الیزابت هم قول می‌دهد که به خانه جدیدشان برود.)
- پس از مدت کوتاهی از طریق نامه اقرار می‌کند که بینگلی را مجبور به فاصله گرفتن از جین کرده و دلیلش جدی نبودن عشق آن‌ها است. (پس از مدت کوتاهی از طریق نامه اقرار می‌کند که بینگلی را مجبور کرده از جین فاصله بگیرد چون عشقشان جدی نیست.)
- استر تلاش می‌کند که ریچارد را مجاب به دنبال نکردن پرونده جارندایس کند. (استر تلاش می‌کند ریچارد را مجاب کند که پرونده جارندایس را دنبال نکند.)

- وقتی تنها شدند، از این فرصت برای ابراز نصیحت‌های هوشمندانه استفاده کرد. (وقتی تنها شدند از فرصت استفاده کرد تا چند نصیحت هوشمندانه به او بکند.)

وجود تعداد زیادی جمله اسمی در ترجمه‌های مترجمان تازه‌کار بیانگر این حقیقت است که این جملات تحت تأثیر متن اصلی نوشته شده‌اند. این دسته از مترجمان یا گمان می‌کنند که انتقال ساخت متن اصلی به ترجمه نشانه وفاداری به سبک نویسنده است و یا این‌که اساساً توان پیدا کردن ساختی معادل آن در زبان فارسی را ندارند. در نتیجه عین ساخت متن اصلی را به ترجمه منتقل می‌کنند. در نتیجه ساخت‌های اسمی متن اصلی به ساخت‌های اسمی مشابهی در متن ترجمه شده تبدیل می‌شوند. مشکلی که جملات اسمی ایجاد می‌کنند این است که متن از شیوه نگارش فارسی دور می‌شود و در نتیجه درک جمله دشوارتر می‌شود.

تراکم جملات اسمی فقط در متون ترجمه شده نیست بلکه در متون تألیفی هم چنین جملاتی به وفور دیده می‌شوند. این نکته بیانگر این حقیقت است که جمله اسمی مثل دیگر عناصر زبانی که از طریق ترجمه وارد متون ترجمه شده می‌شود به تدریج از متون تألیفی سر درمی‌آورد. میزان و نقش جملات اسمی در متون تألیفی که عمدتاً نویسندگان کم‌اطلاع از سازوکار فارسی می‌نویسند باید جداگانه مورد تحقیق قرار بگیرد.

کتابنامه

- بالائی، ک. (۱۳۷۷). *پیدا/یش رمان فارسی* (م. قویمی و ن. خطاط، مترجم)، معین: ایرانشناسی فرانسه در ایران.
- بهار، م. (۱۳۸۱). *سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی*، تهران: زوار، ج دوم.
- خانلری، ناتل و پ، ع مستشارنیا. (۱۳۸۸). *دستور تاریخی زبان فارسی*. چاپ هفتم. تهران: انتشارات توس.
- خزاعی فرید، ع. (۱۳۸۴). *نقد ترجمه: در هزار تو*. مترجم. ۴ (۴۰)، ۳۴-۳۸.
- (۱۳۸۹). *سبک نویسنده - سبک مترجم*. *مهرنامه*، ۷، ۹۴-۹۶.
- دین‌محمدی، م. ع. (۱۳۷۵). *تأثیر ترجمه بر دستور و واژگان زبان فارسی*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی*، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۸۰ ص، کتابنامه.

فتح‌اللهی، م. (۱۳۸۹). تأثیر ترجمه رمان‌های مدرن انگلیسی بر هنجار سبکی طول جمله در رمان فارسی: مورد پژوهشی نه رمان فارسی و سه رمان انگلیسی. *پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات ترجمه*. دانشگاه فردوسی مشهد.

مشکوه‌الدینی، م. (۱۳۸۵). گروه مصدری و ویژگی‌های ساختی و کارکردی آن در جمله. *دستور: ویژه‌نامه فرهنگستان*، ۲، ۸۶-۱۰۱.

نجفی، ا. (۱۳۶۱). مسئله امانت در ترجمه. *نشر دانش*، ۱۳، صص ۵-۱۳.

نورا، م. (۱۳۸۹). تحول افعال ناقل در متون روایی زبان فارسی در اثر ترجمه. *پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات ترجمه*، دانشگاه فردوسی مشهد.

نوری کلخوران، ح. (۱۳۵۴). طرح و بررسی تحول سبک زبان روزنامه در نیم قرن اخیر از دیدگاه دستور و واژگان. *پایان‌نامه دکتری زبان شناسی همگانی*، دانشگاه تهران.

- Biber, D. (1988). *Variation across speech and writing*. Cambridge university Press, Cambridge.
- Bostion, H & Thering, A. (1987). Scientist: can they read what they write? *Departement of agricultural journalism*. university of wiscosin, Madrison.
- Charles, M. (2003). A corpus-based study of the use of nouns to construct stance in theses from two contrasting disciplines. *Journal of English for academic Purpose Education* 2(4), 313-326.
- Chesterman, A. (2000). A casual model for translation studies, in M. olohan (eds). *Intercultural faultlines*. Research Models in Translation Studies 1: Textual and cognitive aspects, st. Jerome, Manchester, pp 15-27.
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.
- Fowler, R. (1972). *Language in the News*. London: Routledge.
- Fowler, R. & Hodge k. and Trew. T. (1979). *Language and Social Control*. London: Routledge.
- Genter, D. (1981). Some interesting differences between nouns and verbs. *Cognitive and Brain Theory*, 4, 161- 78.

- Holmes, J. S. (1988). The Cross- Temporal Factor in Verse Translation, in Holmes (1988), 35-44.
- Kirkman, J. Turk, Christopher (1982). *Effective Writing*. E &F.N. Spon, New York.
- Laviosa, S. (1998). *The Corpus-based approach: A new paradigm in translation studies* in S. Laviosa (ed. 474-479).
- Leech, G. & Short, M. (1981). *Style in Fiction: A Linguistic Introduction to English Fictional Prose*. 1981. New York: Longman, 1984.
- MacDonald, S. (1994). *Professinal academic writing in Humanities and social Sciences*. Carbondale and Edwardsville, Southern Illinois University Press.
- Munday, J. (2002). *Introducing Translation Studies: Theories and Application*. London: Routledge.
- Nisbett, R. (2003). *Is the world made up of nouns or verbs?* Selected from *The geography of thought*. London: Nicholas Brealey Publishing. Pp. 137-65.
- Quirk, R (1985). *Foundation of Cognitive Grammar*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Rutkowski, A (2006). Don't use three words when one will do: Polish your language skills. *Edmond Journal*. Alta.
- Smith, E. S. Bernhardt (1997). *Writing at work: Professional Writing Skills for people on the job*. NTC Publishing Group, Lincolwood: USA.
- Tardif, T. (1996). Nouns are not always learned before verbs: Evidence from Manddaran-speakers' early vocabularies. *Developmental Psychology*, 32, 492-504.
- Toury, G. (1978/2000). The nature and role of norms in literary translation, in L. Venuti (ed.) (2000) *The translation Studies Reader*, London and New York: Routledge, pp. 198-211.
- (1955). *Descriptive Translation Studies- And Beyond*, Amesterdam and Philadelphia. PA: John Benjamins.

Toury, G (1985) *A Rational for Descriptive Translation Studies. The Manipulation of Literature: Studies in Literary Translation*. Ed. Theo Hermans. Worcester: Billing & Sons.

Wells, R. (1960). *Nominal and Verbal Style*, in Sebeok (T), Ed. *Style in Language*, New York: MIT Press, pp 213-220.

Zinsser, W. (1980). *On Writing Well*. Harper. New York.
